

## نایب‌رئیس کمیسیون صنعت و معدن اتاق تهران



تجارت یکی از مهم‌ترین قربانیان مناقشات سیاسی بین‌المللی بود که در نهایت به چند سال تحریم ناجوانمردانه علیه ایران بدل شد. شاید اگر اقتصاد در اولویت بود گفت‌وگوهای سیاسی به شکل دیگری صورت می‌گرفت و خیلی زودتر از این شاهد توافق بر سر مسائل می‌بودیم. این موضوعی است که کشورهای غربی به خوبی متوجه آن بودند و آماده شدند تا به محض تغییر اولویت‌های مذاکره، به سراغ بازار از دست رفته ایران بیایند. در نهایت با تغییر دولت و به تبع آن تغییر رویکرد و اولویت قرار گرفتن نسبی اقتصاد شاهد بودیم که همین کشورها قبل از هر توافقی، هیات‌های تجاری به ایران اعزام کردند. با این وجود بیش از 2 سال زمان لازم بود تا بالاخره تغییر رویکرد به توافقی بدل شد که برجام نام گرفت. در این مدت هیات‌های تجاری زیادی به ایران آمدند و با اجرایی شدن برجام، این هیات‌های تجاری افزایش یافت. البته اعزام هیات نیز در دستور کار قرار گرفت و شاهد حضور پررنگ بخش خصوصی در سفرهای سیاسیون به کشورهای مختلف بودیم.

اما با این وجود اثر این اتفاقات بر مسائل اقتصادی به‌ویژه از جنبه تجارت چندان ملموس نیست. انتظار جهش چشمگیر در آمارهای تجاری هیچ‌گاه به شکلی ملموس اتفاق نیفتاد. اما علت این پدیده چیست؟ دلیل اول این موضوع را می‌توان در مساله نحوه استفاده از این فرصت جست‌وجو کرد. یک عرف در بازارهای جهانی وجود دارد که فروشنده به بازار هدف می‌رود و قراردادهای معمولاً در بازار هدف بسته می‌شود. به همین دلیل انتظار بر این بود که اتفاقات اقتصادی در سفر هیات‌های اعزامی رخ دهد. با این وجود چنین موضوعی به مسیر دیگری رفت. اکثر صحبت‌ها و قرارها به تفاهم‌نامه‌های اقتصادی بدل شد. طبیعتاً تفاهم‌نامه با قرارداد تفاوت دارد و هیچ‌گاه شاهد تبدیل شدن اکثریت این تفاهم‌نامه‌ها به توافق نبودیم. طبیعتاً چنین موضوعی باعث شده است که امروز شاهد این پدیده باشیم که به نظر می‌رسد هیچ توافق تجاری پس از برجام رخ نداده است. با تفاهم‌نامه نمی‌توان انتظار پیشرفت داشت و عملاً این سفرها بدون نتیجه باقی می‌ماند.

مساله دوم وضعیت اقتصاد داخلی است. دولتمردان نیز قبول کرده‌اند که امروز اقتصاد کشور از رکود رنج می‌برد و این موضوع را می‌توان به علت سیاست‌های انقباضی دولت به منظور جلوگیری از تورم و چند دلیل دیگر نسبت داد. رکود در تعریف اقتصادی، خود به دلیل فزونی عرضه بر تقاضا رخ می‌دهد و

طبیعتاً در شرایطی که تقاضای موثر کافی وجود ندارد، تجارت هم تحت تأثیر قرار می‌گیرد. البته دولت از ابتدای روی کار آمدن و اخذ سیاست‌های ضد تورمی نسبت به خطر رکود آگاه بود و به همین دلیل طرح خروج غیرتورمی از رکود نوشته شد. با این وجود، این طرح نیز نتوانست به نقطه مطلوب برسد؛ چرا که شاه بیت خروج از رکود صادرات بود اما مشکل سوم یعنی قیمت‌های تمام شده بالا، توان صادرات را از ایران گرفته است. هزینه تمام شده هر محصول ایرانی نسبت به محصولات مشابه خارجی بالاتر است. ما هنوز بر طبل نیرو و انرژی ارزان می‌کوبیم؛ اما واقعیت این است که برای یک تولیدکننده هزینه تمام شده بسیار بالا است. هزینه بالای گرفتن تسهیلات بانکی و ریسک‌هایی که در اثر تغییرات مستمر در شرایط اقتصادی شکل می‌گیرد، عملاً توان فعالان اقتصادی را کاهش داده است. برای مثال وقتی انتقال پول در کشور هزینه دارد طبیعتاً این هزینه خود را در قیمت تمام شده نشان خواهد داد.

برای بررسی این موضوع باز باید به نقطه آغاز بحث یعنی تحریم‌ها بازگشت. تحریم‌های ناجوانمردانه چند سال گذشته بسیار هوشمند بود و به جای آنکه از تجارت جلوگیری کند، باعث افزایش هزینه‌های تمام‌شده شد. در نهایت مساله به شکلی پیش رفت که بسیاری از کالاها توان صادرات خود را از دست دادند و واردات با نرخ گران ممکن شد. حال در ایران با برداشته شدن تحریم‌ها هنوز با اثرات آن دست به گریبان هستیم. برای حل مشکلات فعلی باید دو روش را مدنظر قرار داد؛ مساله اول کاهش هزینه‌های تحمیلی از سوی دولت و فضای کسب و کار به فعالان اقتصادی است. هزینه بزرگ شدن دولت را نباید فعالان اقتصادی بپردازند؛ چراکه در این صورت مشکل در قیمت تمام‌شده بروز می‌کند. برداشتن قوانین و مقررات زائد، حل مشکلات بخش‌های مختلف اقتصادی با دولت و اجرای قانون بهبود مستمر کسب‌وکار و حمایت از تولید در گرو همین مساله است.

برجام یک فرصت است. رشد اقتصادی مطلوب هرچند به مدد رشد نفتی اتفاق افتاد اما بدون برجام ممکن نبود. ثبات در بازار شاید امروز برای ما عادی باشد؛ اما اگر 5 سال قبل را به خاطر آوریم متوجه اهمیت آن می‌شویم. امروز وضعیت به قدری با ثبات است که نوسان 400 تومانی نرخ ارز یک پدیده مهم محسوب می‌شود؛ درحالی‌که در دوره قبل ما شاهد 3 برابر شدن نرخ ارز بودیم. همه اینها به خاطر برجام و اثرات مثبت آن بود. ورود هواپیمای جدید بعد از چند دهه به ناوگان هوایی کشور خبر از آغاز دورانی جدید می‌دهد. اما بحث این است که اگر از یک پدیده نهایت استفاده را نکنیم، باز هم ضرر کرده‌ایم. توافق با 1+5 عملاً می‌تواند دستاوردهای بسیار بیشتری برای اقتصاد ایران داشته باشد؛ هرچند که تا اینجا هم ما از برجام کاملاً سود برده‌ایم؛ اما باید تا زمان هست به فکر استفاده بیشتر از آن باشیم.